



## بررسی پدیدارشناسانه گرایش دانشجویان با رشته‌های غیرمرتبط به تحصیل در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره

### Phenomenological Study by Students Tendency Irrelevant to Study in the Fields of Psychology and Counseling

Milad Toopshekan

Zahra Naghsh

Abbas Javaheri Mohammadi

میلاذ توپشکن \*

زهره نقش \*\*

عباس جواهری محمدی \*\*\*

#### Abstract

The purpose of this study is to examine the phenomenology of the inclination of students with unrelated disciplines to study psychology and counseling. The research method is qualitative and phenomenological, and the study is in-depth. Using a phenomenological qualitative research method, 20 individuals (17 females and 3 males) were selected among those who have studied in other fields of counseling or psychology at the undergraduate level and at the master's or PhD level, one of the two in 2020. They were selected according to the principle of saturation and by repeating the responses through a purposive sampling method, and answered a semi-structured interview. The research findings were categorized separately and the participants were presented individually for each question. The Colaizzi's seven steps of phenomenological analysis was used to analyze the data. The results indicated that the participants did not change their field of study due to various reasons, including internal factors such as lack of interest or external factors such as impracticality. According to the participant, one of the effective factors in changing the subject may be the social status compared to the previous subject in the society. It seems it is necessary to consult an informed advisor to identify real interests and skills, which avoids wasting capital, time, and human and social energy.

**Keywords:** Counseling, Psychology, Colaizzi, Change the String, Phenomenology, Field of Study.

#### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی پدیدارشناسانه گرایش دانشجویان با رشته‌های غیرمرتبط به تحصیل در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره است. روش این پژوهش، کیفی و پدیدارشناسی است که در آن به مطالعه عمیق پرداخته شده است. با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسانه، ۲۰ نفر (۱۷ زن و ۳ مرد) از میان افرادی که در مقطع کارشناسی در رشته‌های غیر از رشته‌های مشاوره یا روان‌شناسی تحصیل کرده‌اند و در مقطع ارشد یا دکتری، یکی از این دو رشته را انتخاب کرده‌اند، در سال ۱۳۹۹ به شیوه نمونه‌گیری هدفمند بر پایه اصل اشباع و با تکرار شدن پاسخها انتخاب شدند و به مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش به صورت جدول‌هایی طبقه‌بندی و براساس پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به هر سؤال به صورت جداگانه ارائه شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش هفت‌مرحله‌ای کلاژی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که افراد به دلایل متفاوتی از جمله عوامل درونی مانند علاقه‌نداشتن یا عوامل بیرونی مانند کاربردی نبودن رشته قبلی تغییر رشته می‌دهند. براساس اظهارات بسیاری از شرکت‌کنندگان یکی از عوامل مؤثر در تغییر رشته جایگاه اجتماعی بهتر از رشته قبلی در جامعه است. به نظر می‌رسد حضور مشاور آگاه و مطلع از امور برای شناسایی علایق و توانمندی‌های واقعی افراد به منظور جلوگیری از هدر رفتن سرمایه، وقت و انرژی فردی و اجتماعی امری بدیهی و واضح است که کمتر به آن توجه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مشاوره، روان‌شناسی، رشته تحصیلی، تغییر رشته، کلاژی، پدیدارشناسی.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
\*\* نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: z.naghsh@ut.ac.ir

Received: 5 Jan 2021

Accepted: 4 Mar 2021

پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۴

دریافت: ۹۹/۱۰/۱۶

## مقدمه

یکی از انتخاب‌های مهم افراد در طول زندگی انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه است. این انتخاب به دلیل تأثیر فراوانی که بر سرنوشت افراد دارد، دستخوش عوامل مختلفی است؛ در نتیجه نظام‌های آموزشی در سراسر دنیا همواره تلاش می‌کنند تا با شناسایی این عوامل داوطلبان را به سویی هدایت کنند که میزان آسیب احتمالی به کمترین حد خود برسد. از سوی دیگر نیز با پیشرفت صنعت و علم و پیچیدگی دائم دنیای مشاغل، تصمیم‌گیری برای این انتخاب مهم سخت شده است. از آنجا که یکی از اهداف تعلیم و تربیت هدایت شغلی فرد است، می‌توان گفت انتخاب رشته تحصیلی و شغل یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های هر فرد در طول زندگی وی است (ضرابیان و رضایی، ۱۳۹۸). از وظایف مهم دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تربیت نیروی متخصص و کارآمد است؛ زیرا نیروی انسانی متخصص زیربنای توسعه جامعه در همه ابعاد است؛ از این رو تربیت نیروی متخصص، کاردان و دانا متناسب با تقاضای بازار کار در صدر وظایف و اهداف مراکز تربیتی و به‌ویژه نظام آموزش عالی است. علاقه به رشته تحصیلی با دو مفهوم هدف‌گرایی تحصیلی<sup>۱</sup> و انگیزش تحصیلی<sup>۲</sup> ارتباط نزدیکی دارد. منظور از هدف‌گرایی تحصیلی دلایل و مقاصدی است که فرد در درس خواندن و سایر فعالیت‌های تحصیلی خود دنبال می‌کند. از ارکان پیشرفت در سطح شخصی و سطح کلان در محیط جوامع علاقه به رشته تحصیلی است. به عقیده روان‌شناسان مایه اساسی یادگیری انگیزش است. براساس مطالعات، داشتن علاقه به رشته تحصیلی و آگاهی داشتن از آینده شغلی بر میزان انگیزش تحصیلی تأثیر دارد (رجب‌زاده و مؤمنی مهمویی، ۱۳۹۴).

در این میان، شناسایی عوامل دخیل در انتخاب رشته دانشجویان امری مهم و ضروری است. جمعیت فراوان افراد مشتاق ورود به دانشگاه، تخصصی‌شدن مشاغل، پایین‌بودن فرصت‌های شغلی و مشکلات اقتصادی/اجتماعی و روانی از عواملی هستند که سبب انتخاب نادرست رشته می‌شوند. از میان کسانی که از سد موانع متعدد موجود عبور می‌کنند و به دانشگاه وارد می‌شوند، بسیاری از افراد به دلیل نارضایتی از رشته تحصیلی یا از ادامه تحصیل منصرف می‌شوند یا با امید کم به تحصیل ادامه می‌دهند. از وظایف اصلی دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور همسوکردن علایق و توانایی‌های دانشجویان با نیازها و امکانات موجود در جامعه است؛ زیرا داشتن برنامه‌ای دقیق برای بهینه‌کردن شیوه پذیرش دانشجو نقش بسزایی در توسعه کشور دارد (بیگدلی و آدام، ۱۳۸۲).

انتخاب یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های هر انسان است که افراد بارها در طول زندگی خود اقدام به این کار می‌کنند. لحظات انتخاب، حساس است؛ چراکه با تصمیم‌گیری درباره روش یا موضوعی خاص، سرنوشت و مسیر زندگی افراد رقم می‌خورد یا تغییر می‌کند. از آنجا که فرد تصمیم‌گیرنده باید پاسخ‌گوی انتخاب خویش باشد، انتخاب صحیح می‌تواند به پاسخ‌گوبودن و مسئولیت‌پذیری افراد نیز کمک شایانی کند. در این میان، از سرنوشت‌سازترین و حساس‌ترین انتخاب‌های دوران زندگی، انتخاب رشته‌های تحصیلی است (مهدی‌خانی،

---

1. academic goal orientation

2. academic motivation

(۱۳۹۵). عوامل زمانی و مکانی بر فرایند انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان می‌تواند تأثیرگذار باشد. بنا بر عقیده کینزی و همکاران (۲۰۰۴) تحقیقات مربوط به انتخاب رشته تحصیلی حدود پنجاه سال قدمت دارد. محققان دریافته‌اند که در طول این دوره، عوامل تعیین‌کننده‌ای مانند ویژگی‌های فردی، خانوادگی، شغلی و ویژگی‌های دانشگاه مؤثر است و این ویژگی‌ها و مجموعه‌ای از ویژگی‌های درونی داوطلب با عوامل بیرونی مرتبط است. از دیگر عوامل مهم در انتخاب رشته تحصیلی، مشاوره و تأثیر افراد بانفوذ است. تصمیم‌گیری برای انتخاب رشته تحصیلی و دانشگاه مختلف برای تحصیل می‌تواند فرد را دچار اضطراب کند؛ زیرا او باید پاسخ‌گوی انتظارات اجتماعی، خانوادگی و همچنین آینده‌نگری باشد که از درون و برون او را احاطه کرده‌اند (عنایتی نوین‌فر، درانی و کرم‌دوست، ۱۳۹۱).

به عقیده مک‌گراس و براونشتاین (۱۹۹۷) انتخاب‌نکردن رشته تحصیلی مناسب با استعدادها و توانمندی‌های افراد از دلایل اصلی و عمده افت تحصیلی در دانشگاه‌ها و به دنبال آن دل‌زدگی از رشته فعلی در افراد است. این امر سبب شده است که در کشور ما در بیشتر موارد براساس ارزشی هنجاری و کاذب انتخاب رشته صورت بگیرد و چون نگاه افراد به منزلت اجتماعی، انتخاب همسر و مسائل اقتصادی است، رشته‌هایی مانند پزشکی را در اولویت انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه قرار بدهند. یکی از ملاک‌های مهم انتخاب رشته تحصیلی، ارزش‌های درونی رشته تحصیلی است. از جمله این ارزش‌ها، ملاک پیوستاری فکری-عملی است که افرادی به رشته‌های عملی مانند مهندسی و پزشکی و دیگران به رشته‌های فکری مانند فلسفه، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت علاقه‌مند هستند. نگرش فرد یا اجتماع به آن رشته تحصیلی در دانشگاه از ملاک‌های مهم دیگر انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه است؛ برای مثال در میان خانواده‌های سنتی، رشته‌های تعلیم و تربیت با نقش جنسیتی زنان بیشتر تناسب دارد (نصر، عریضی، علامت‌ساز و نیلی، ۱۳۸۶). همچنین باید توجه داشت که شناخت ناکافی از دانشگاه و تصمیم عجولانه در انتخاب رشته از عواملی است که ممکن است سبب کاهش انگیزه و فروکش کردن اشتیاق اولیه در دانشجویان شود.

خانواده نقش بسزایی در ایجاد و تغییر نگرش افراد دارد. از مواردی که سبب افزایش توان سازگاری با مشکلات حرفه‌ای خواهد شد، نگرش مثبت به رشته تحصیلی است. یکی دیگر از عواملی که در انتخاب رشته تأثیر دارد و در کشور ما هم بسیار دیده می‌شود، فشار خانواده است؛ درحالی‌که در بسیاری از کشورهای دیگر تمهیدات متعددی را برای انتخاب رشته قائل هستند (سرهنگ‌پور، اکبری و نادری، ۱۳۹۶). به عقیده صاحب‌نظران عوامل مختلفی در تغییر نظر دانشجویان پس از ورود آن‌ها به دانشگاه مؤثر است. یکی از این عوامل آشنابودن با محیط جدید و شناخت ناکافی دانشجویان از رشته تحصیلی خود و آینده تحصیلی در دانشگاه است. در سال‌های اخیر افزایش آگاهی جامعه در چگونگی تأثیر این مسئله، تغییرات اساسی در سیاست‌های گزینش و پذیرش دانشجویان در دنیا به وجود آورده است؛ به طوری‌که سبب توجه به تمام شایستگی‌ها در گزینش دانشجویان شده است (معمارپور، بذرافکن، موسوی و وثوقی، ۱۳۹۲). علاقه به رشته تحصیلی یکی از شرایط پیشرفت شخصی و پیشرفت در سطح جامعه است. معمولاً اگر انتخاب رشته تحصیلی از روی علاقه باشد، سبب پیشرفت جامعه می‌شود و اگر افراد به دلیل علاقه‌نداشتن به رشته

تحصیلی خاصی روی بیاورند، آثار مخربی به وجود می‌آید (باقری و فرهادی، ۱۳۹۶). براساس تحقیق اجاقی و طالبوند (۱۳۹۴) سطح تحصیلات خانواده، راهنمایی خانواده و خویشاوندان، نزدیک بودن رشته به رشته آمار و ریاضی، تأثیرپذیری از دوستان و هم‌سالان و مدرک‌گرایی با انتخاب رشته حسابداری ارتباط داشته است. به طور معمول تحصیلات تکمیلی به دلیل تربیت نیروی متخصص در میان دوره‌های آموزش عالی از منزلت بالاتری برخوردار است (مدهوشی، زالی و نجیمی، ۱۳۸۸). رقابت فشرده برای راه‌یابی به دانشگاه سبب می‌شود که مستعدترین افراد برای تحصیل در دانشگاه انتخاب شوند. آموزش عالی برای ایجاد شانس برابر برای همه داوطلبان به اصلاحاتی برای شرکت در امتحان آزمون کارشناسی ارشد اقدام کرده است. در این میان، همه فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی امکان شرکت در آزمون دوره کارشناسی ارشد رشته‌های دیگر را دارند و در صورت قبولی امکان تحصیل در آن رشته ویژه را خواهند داشت (کاظمی، ۱۳۸۹).

همان‌طور که بیان شد، از عوامل مؤثر بر میزان موفقیت دانشجویان در تحصیل، علم و تجربه قبلی است. فرد زمانی مطالب جدید را یاد می‌گیرد که منطبق بر ساختار شناختی قبلی او باشد (حسینی شهیدی، عطاردی و مقیمیان، ۱۳۸۴). با توجه به تحقیقات انجام شده بیشتر دانش‌آموزان که پس از پایان دوره دبیرستان وارد دانشگاه می‌شوند، انتخاب رشته آن‌ها براساس انگیزه‌های مادی و موقعیت اجتماعی و اقتصادی رشته‌ها و نیز تشویق و اجبار والدین و اطرافیان در انتخاب رشته صورت می‌گیرد. آن عده نیز که در رشته دلخواه خود پذیرفته نمی‌شوند، برای دلایلی مانند فرار از بالاترکلیفی یا تأخیر در سربازی (در پسران) در رشته‌هایی که هیچ علاقه و شناختی از آن‌ها ندارند، وارد و مشغول به تحصیل می‌شوند. به دلایل مختلفی مانند بالا رفتن سن و کسب تجربه‌های مختلف، برعهده‌داشتن مسئولیت‌های مختلف سنی و... کمتر در کارشناسی ارشد شاهد این اتفاق هستیم (سالمیان، ۱۳۸۹). با توجه به گزارش‌های هر ساله، تعدادی از دانشجویان در رشته‌هایی غیر از رشته کارشناسی خود به مقطع کارشناسی ارشد راه پیدا می‌کنند. این میزان در دانشجویان رشته‌های غیر علوم انسانی به ادامه تحصیل در تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم انسانی بیشتر است.

نصر، عریضی، علامت‌ساز و نیلی (۱۳۸۶) در پژوهش خود ملاک‌های انتخاب رشته داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی را بررسی کردند. جامعه آماری این پژوهش ۱۸,۳۳۹ نفر از داوطلبان مجاز به انتخاب رشته در شهر اصفهان بودند که ۱۵۰۰ نفر از آنان نمونه آماری پژوهش را تشکیل دادند. نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین ملاک‌های ورود به دانشگاه عبارت‌اند از علاقه به رشته، امکان ادامه تحصیل و تناسب رشته با توانایی‌های علمی. همچنین عواملی مانند صرفاً قبول شدن در دانشگاه و انتخاب رشته تحصیلی بر مبنای مشاوره‌های رایانه‌ای برای این افراد کمترین اهمیت را داشته است. بارتولی و پلانسی (۲۰۱۲)، در تحقیق خود با استفاده از مجموعه اطلاعات اداری برای دانشجویان تمام‌وقت ثبت‌نام شده در برنامه‌های کارشناسی تجارت و اقتصاد ارائه شده توسط بزرگ‌ترین دانشگاه اسلوونی، تأثیر توانایی شناختی بر انتخاب اصلی دانشگاه را مطالعه کردند. برخلاف مطالعات موجود، آن‌ها میان توانایی عمومی اندازه‌گیری شده با معدل میانگین دبیرستان و توانایی اصلی، که با نمرات کسب شده در دوره‌های تخصصی بزرگ اندازه‌گیری می‌شود، تمیز قائل شدند. همچنین نشان دادند، دانشجویانی که توانایی عمومی بالاتری دارند، در رشته‌های اقتصاد ثبت‌نام

می‌کنند؛ درحالی‌که توانایی تخصصی بالاتر (برای مثال نمره بالاتر در حسابداری) احتمال انتخاب آن رشته (حسابداری) را افزایش می‌دهد. آن‌ها همچنین دریافتند که هر دو جنس به توانایی اندازه‌گیری شده خاص در رشته‌هایی که به‌طور سنتی در میان آن‌ها محبوبیت بیشتری دارند (مانند انفورماتیک تجارت برای مردان) پاسخ می‌دهند. این نتایج نشان می‌دهد، سیاست‌گذارانی که قصد دارند ساختار عرضه نیروی کار را تغییر دهند، باید سعی کنند توانایی‌های اصلی دانشجویان را تغییر دهند. جرادات (۲۰۱۷) درباره دلایل تغییر رشته در دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان به سه دلیل تغییر رشته می‌دهند: ترجیحات شخصی و دوره آموزشی، مسائل تأثیرگذار و مسائل شغلی. هدف محقق این بود که ادراک دانشجویان را درباره دلایلی که بیشتر در تصمیم‌گیری آن‌ها برای تغییر رشته تأثیرگذار است، کشف کند. شرکت‌کنندگان ۱۷۲۵ دانشجوی کارشناسی در دانشگاه خاورمیانه بودند که ۴۹۴ آنان در حال تغییر رشته بودند. برای جمع‌آوری داده‌های این مطالعه از نظرسنجی استفاده شده است. این جرادات دریافت که ۲۸ درصد دانشجویان این دانشگاه در حال تغییر رشته هستند. وی همچنین نتیجه گرفت که تغییر در دانشگاه با عوامل منفی ارائه شده در سه گروه ارتباط معناداری دارد. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد دانش‌آموزان در سال اول دانشگاه به دلیل دشواری رشته‌های قبلی خود در حال تغییر رشته بودند. دانشجویان سال دوم به دلیل استادان دانشگاهی خود در حال تغییر رشته بودند. دانش‌آموزان در سال سوم خود به دلیل اینکه رشته‌های آن‌ها دشوار یا چالش‌برانگیز نبود، تغییر رشته می‌دادند یا برخی از دوره‌های مقدماتی آن‌ها را دوست نداشتند یا برایشان دشوار بود. دانش‌آموزان در سال چهارم به دلیل تأثیر والدین در انتخاب رشته‌های دیگر در حال تغییر رشته بودند.

آستورن فیگاری و اسپیر (۲۰۱۹) در تحقیق خود دریافتند که انتخاب رشته دانشگاهی مرحله کلیدی در جست‌وجوی شغل است و بیش از یک‌سوم دانشجویان دانشگاه حداقل یک‌بار تغییر رشته می‌دهند. آن‌ها اولین تجزیه و تحلیل جامع از تغییر بزرگ را با نگاهی به الگوهای تغییر در دو بعد علمی و غیردانشگاهی ارائه می‌دهند. نمرات پایین نشان‌دهنده تطابق نداشتن تحصیلی و پیش‌بینی تغییر رشته‌ها است. در این میان، هرچه نمرات پایین‌تر باشد، تغییر از نظر محتوای دوره بیشتر است که البته این تغییرات نمرات دانش‌آموزان را بهبود نمی‌بخشد. وقتی دانشجویان رشته‌ها را تغییر می‌دهند، به رشته‌هایی روی می‌آورند که «شبهه آن‌ها» هستند؛ برای مثال زنان به رشته‌های پرزحمت زنان و غیره روی می‌آورند. زنان با توانایی پایین، با سرعت بالا از رشته‌های رقابتی فرار می‌کنند؛ درحالی‌که مردان و زنان با توانایی بیشتر، منصرف نمی‌شوند. زنان به مراتب رشته‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی<sup>۱</sup> (STEM) را به دلیل رشته‌های کمتر رقابتی که هنوز هم تا حدودی از نظر علمی فشرده هستند، بیشتر ترک می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که ترک این گروه از رشته‌ها، بیشتر از فرار از علوم و ریاضیات به دلیل فرار از «فرهنگ» این نوع رشته‌هاست. با نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده در این باره می‌توان گفت، پژوهشی که به‌طور مشخص تغییر رشته به روان‌شناسی یا مشاوره را هدف قرار داده باشد، بسیار کم و تقریباً هیچ بوده است. هرچند تعداد پژوهش‌هایی که به‌طور کلی به بررسی علل گرایش به رشته‌ای دیگر باشند نیز کمتر از حد انتظار بوده است. پس در این پژوهش به

---

1. science, technology, engineering, & mathematics

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به روان‌شناسی یا مشاوره در تحصیلات تکمیلی پرداخته شده است.

## روش پژوهش

روش پژوهش کیفی<sup>۱</sup> است. براساس طبقه‌بندی دنزین و لینکلن (۲۰۱۲) دو نوع الگوی عمده در پژوهش کیفی وجود دارد: رویکرد طبیعت‌گرایانه و رویکرد پیش‌رونده. رویکرد طبیعت‌گرایانه که رویکردی سنتی‌تر در تحقیقات کیفی است، نشان می‌دهد واقعیت همچنان قابل‌مشاهده و به‌کمک ثبت شواهد و اطلاعات در میدان واقعی قابل‌تأیید است. در این الگو، محقق به مدت طولانی در میدان تحقیق که مکانی فیزیکی محسوب می‌شود، درگیر است و تحقیق در این میدان را تا جایی ادامه می‌دهد که معرف‌بودن و جامعیت داده‌ها و شواهد به تأیید برسد؛ یعنی زمانی که ویژگی‌های یکسانی مدام در حال تکرار باشند و داده‌ها تا زمانی جمع‌آوری شوند که مقوله جدیدی برای گفتن نداشته باشند. تکنیک‌های استفاده در این الگو نیز مشاهده، مصاحبه، تفسیر اسنادی و تحلیل محتوا هستند (قاضی‌نژاد و عباسیان، ۱۳۹۰). پدیدارشناسی نوعی روش تحقیق کیفی برای توصیف این است که چگونه انسان با پدیده‌ای خاص مواجه می‌شود. این روش به محقق اجازه می‌دهد تا در ادراک، چشم‌انداز، درک و احساسات کسانی که فنومن یا پدیدار مدنظر یا موقعیت مورد علاقه را زندگی کرده‌اند، غرق شود. پژوهش کیفی معمولاً برای دستیابی به درک و فهم عمیقی از موضوعات پژوهشی به کار می‌رود؛ از این‌رو این روش برای تبیین عناوین جدید یا درک و فهم عمیق موضوعات پیچیده، تبیین باورها و رفتارهای مردم و معرفی هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مفید است (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). به‌طور خلاصه پدیدارشناسی جنبشی فلسفی در سال‌های اولیه قرن بیستم است که ادموند هوسرل آن را طرح‌ریزی کرده است (زه‌اوی، ۲۰۰۳). به‌طور کلی می‌توان گفت پدیدارشناسی تلاشی برای ایجاد شرایط به‌منظور مطالعه عینی موضوعاتی است که ذهنی درنظر گرفته می‌شوند؛ مانند هشیاری و محتوای تجربه‌های هوشیار، قضاوت‌ها، احساسات یا ادراکات (سپ و ایمبری، ۲۰۱۰). درواقع رویکرد کیفی مجموعه فعالیت‌هایی مانند مشاهده، مصاحبه و مشارکت در فعالیت‌های تحقیق است که هرکدام به‌نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست‌اول درباره موضوع مورد تحقیق کمک می‌کند. به عبارت دیگر روش کیفی بر این باور است که که ذهن فرد بر اساس داده‌های منحصر به فرد خود و به‌کمک مسیر زندگی‌اش، مانند آینه عمل نمی‌کند و وقتی چیزی را می‌بیند، می‌شنود یا احساس می‌کند، شیوه بیان این اطلاعات منحصر به فرد و با دیگران متفاوت است و از نگاهی دیگر رویکردی محسوب می‌شود که هدفش فهم و درک واقعیت از زبان و نگاه افراد مورد مطالعه است (وکیلی، ۱۳۹۹).

---

1. qualitative approach

## روش و ابزار گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته<sup>۱</sup> است؛ روشی که بیشتر در علوم رفتاری و اجتماعی استفاده می‌شود. از این ابزار پژوهشی، به‌منظور شفاف‌کردن حوزه‌ها یا سؤال‌های خاص پژوهشی استفاده می‌شود و به‌کمک این روش می‌توان داده‌های توصیفی عمیقی دربارهٔ تجربیات شخصی مصاحبه‌کنندگان کشف کرد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده در طول مصاحبه نیمه‌ساختاریافته می‌تواند به فرایندهای نوآورانه از حوزه کلی به بینش‌های اختصاصی بیشتر جهش یابد. این موضوع می‌تواند برای توسعه فرضیه‌های اولیه، روابط میان متغیرها و ایجاد بستری برای تحقیقات بعدی مفید باشد (برنارد، ۲۰۰۰)؛ درحالی‌که مصاحبه ساختاریافته مجموعه‌ای دقیق از سؤالات است که اجازهٔ منحرف‌شدن را به مصاحبه‌شونده نمی‌دهد. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته باز است و اجازه می‌دهد تا ایده‌های جدید در مصاحبه به‌عنوان نتیجهٔ آنچه مصاحبه‌شونده می‌گوید، بیان شود. مصاحبه‌کننده در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، چارچوبی از موضوعات مورد بررسی را دارد. این نوع مصاحبه معمولاً به‌صورت گسترده در تحقیقات کیفی استفاده می‌شود.

## مشارکت‌کنندگان پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دانشگاه‌های سطح شهر تهران تشکیل دادند که در مقطع کارشناسی رشته‌ای غیر از مشاوره یا روان‌شناسی خوانده و در مقطع ارشد یا دکتری به یکی از این دو رشته روی آورده‌اند. با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسانه، ۲۰ نفر (۱۷ زن و ۳ مرد) از میان افرادی که در مقطع کارشناسی در رشته‌ای به غیر رشته‌های مشاوره یا روان‌شناسی تحصیل کرده‌اند و در مقطع ارشد یا دکتری به یکی از این دو رشته روی آورده‌اند، در سال ۱۳۹۹ به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، بر پایه اصل اشباع و با تکراری‌شدن پاسخ‌ها انتخاب شدند و به مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پاسخ دادند. در این پژوهش، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در مصاحبه ۱۷ به اشباع رسیده بود، ولی پژوهشگر برای اطمینان از این امر ۳ مصاحبه دیگر نیز انجام داد. در مجموع اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه در این پژوهش ارائه شده است. ملاک اصلی نمونه‌های این پژوهش تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته مشاوره در دانشگاه‌های شهر تهران بوده است. ملاک‌های بعدی ابراز علاقه به شرکت در مصاحبه و آمادگی و توانایی انتقال مفاهیم طی مصاحبه است.

## روش تحلیل داده‌ها

با توجه به اینکه روش پدیدارشناسی، پژوهش حاضر را هدایت کرده است، از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی<sup>۲</sup> برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. فرایند هفت‌مرحله‌ای کلایزی بدین‌ترتیب است:

1. semi-structured interview
2. Colaizzi's seven steps of phenomenological analysis

۱. تمام توصیف‌های به‌دست‌آمده از سوژه‌ها را برای دستیابی به احساسی درباره آن‌ها بخوانید. ۲. به هریک از روایت‌ها برگردید و عبارت‌های مهم را استخراج کنید. ۳. معنای هریک از عبارت‌های مهم را توضیح دهید. این مرحله به فرمول‌بندی معانی معروف است. ۴. معانی فرمول‌بندی‌شده را در قالب خوشه‌هایی از تم‌ها سازمان دهید. ۵. تا این مرحله نتایج در قالب یک توصیف مفصل و کامل از پدیده تحت مطالعه ترکیب می‌شوند. ۶. توصیف مفصل و کامل از پدیده بررسی‌شده را تا حد امکان در قالب یک عبارت شناختی ناهم‌ارز صورت‌بندی کنید. ۷. گام معتبرسازی نهایی می‌تواند با بازگشت به هریک از سوژه‌ها و پرسیدن درباره یافته‌ها تا این مرحله از بررسی به‌دست آید (محمدپور، ۱۳۹۲).

### جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سال تولد	سال کارشناسی	رشته کارشناسی	سال ارشد	رشته کارشناسی ارشد	سال و رشته دکتری
۱	دختر	۱۳۵۸	ورودی ۱۳۸۴	مترجمی زبان	۸۷ پایان ارشد اول / ۸۷ شروع ارشد دوم	زبان انگلیسی / روان‌شناسی تربیتی	-
۲	دختر	۱۳۷۵	ورودی ۱۳۹۳	علوم تربیتی	ورودی ۹۸	مشاوره	-
۳	دختر	۱۳۵۱	۱۳۸۳	حقوق	ورودی ۹۷	مشاوره	-
۴	دختر	۱۳۶۴	۱۳۸۱	زبان انگلیسی	ورودی ۹۷	مشاوره	-
۵	دختر	۱۳۶۷	۱۳۸۵	زیست‌شناسی	ورودی ۹۷	روان‌شناسی	-
۶	دختر	۱۳۶۱	۱۳۸۰	تاریخ	ورودی ۹۷	مشاوره	-
۷	دختر	۱۳۷۲	۱۳۹۱	علوم سیاسی	ورودی ۹۷	مشاوره	-
۸	دختر	۱۳۷۴	۱۳۹۱	علوم تربیتی	ورودی ۹۸	مشاوره	-
۹	پسر	۱۳۶۵	۱۳۸۳	مهندسی صنایع	ورودی ۹۷	مشاوره	-
۱۰	دختر	۱۳۷۵	۱۳۹۲	علوم تربیتی	ورودی ۹۸	مشاوره	-
۱۱	دختر	۱۳۶۲	۱۳۹۰	شیمی محض	ورودی ۹۸	مشاوره	-
۱۲	دختر	۱۳۷۱	۱۳۹۰	مهندسی مواد	ورودی ۹۷	روان‌شناسی	-
۱۳	پسر	۱۳۷۳	۱۳۹۲	طراحی صحنه	ورودی ۹۷	مشاوره	-
۱۴	دختر	۱۳۶۴	۱۳۹۲	ریاضی محض	ورودی ۹۸	مشاوره	-
۱۵	دختر	۱۳۷۳	۱۳۹۲	مهندسی صنایع	ورودی ۹۷	مشاوره	-
۱۶	دختر	۱۳۶۲	۱۳۸۰	مترجمی زبان	ورودی ۹۱	روان‌شناسی	ورودی ۹۴ روان‌شناسی
۱۷	دختر	۱۳۴۸	۱۳۶۷	مترجمی زبان	ورودی ۹۱	روان‌شناسی	ورودی ۹۴ روان‌شناسی



ردیف	جنسیت	سال تولد	سال کارشناسی	رشته کارشناسی	سال ارشد	رشته کارشناسی ارشد	سال و رشته دکتری
۱۸	دختر	۱۳۷۲	۱۳۹۲	اطلاع‌رسانی پزشکی	۹۸	روان‌شناسی	-
۱۹	دختر	۱۳۴۶	۱۳۸۴	مترجمی زبان	۹۱	روان‌شناسی	ورودی ۹۴ روان‌شناسی
۲۰	پسر	۱۳۶۰	ورودی ۱۳۷۹	معماری	۱۳۸۶	معماری / مشاوره	۹۶

### یافته‌ها

در این قسمت یافته‌های حاصل از این پژوهش که اطلاعات کلی آن‌ها پیش‌تر توضیح داده شده است، به صورت جدول ارائه شده و هر جدول به یافته‌های حاصل از پاسخ به یک سؤال اختصاص یافته است. در انتهای هر جدول یافته‌های ابتدایی مربوط به آن جدول آمده است.

#### جدول ۲. مقایسه نگرش قبل و بعد از انتخاب رشته مشاوره یا روان‌شناسی

قبل از تحصیل شما در این رشته (در مقطع ارشد) دیدگاه شما به مشاوره یا روان‌شناسی با نگرش فعلی شما چه تفاوتی داشت؟

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات مشارکت‌کنندگان
مقایسه نگرش قبل و بعد از انتخاب رشته مشاوره یا روان‌شناسی	تطابق	تحقق انتظارات	ذهنیت خیلی نسبت به قبل تفاوتی پیدا نکرده و همون جوری که فکر می‌کردم هست (۲) // در واقع نگرش من قبل و بعد این رشته تفاوتی نکرده؛ چون از قبل هم مشتاق رشته مشاوره و روان‌شناسی بودم (۴) // نگرش من قبل و بعد از ورود به این رشته زیاد تفاوتی نکرده (۶) // دیدگاه من قبل از ورود و بعد از ورود به رشته مشاوره تفاوتی نداشت (۸) // در نوع نگرش من قبل و بعد از انتخاب این رشته تقریباً هیچ فرقی نداشت. قبلاً هم این رشته برای من جذاب بود، الان هم همین‌طور (۱۸) // و من کاملاً دید داشتم که مشاوره را انتخاب کردم و فکر می‌کنم خیلی مطابق بود با انتظاراتم (۲۰).
		نگرش و علاقه	قبل از تحصیل نگاه مثبتی به روان‌شناسی داشتم و علاقه‌مند بودم و نگرش مثبت بود و الانم دوستش دارم (۹) // قبل از انتخاب رشته مشاوره در مقطع ارشد، روان‌شناسی و مشاوره رو دوست داشتم و الانم هم همین‌طور (۱۰).

#### جدول ۳. خلأهای رشته قبلی

تو رشته قبلی تون خلئی احساس کردین که به این رشته اومدین؟ برای پرکردن یک خلأ، ارشد اومدین این رشته؟

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات مشارکت‌کنندگان
خلأهای رشته قبلی	عوامل مؤثر درونی	توانمندنبودن	کارشناسی ارشد که زبان خوندم، زیاد قوی نبودم و این باعث پایین‌اومدن اعتمادبه‌نفس من در آزمون دکتری زبان می‌شد (۱) // عزت‌نفسم هم در مشاوره خیلی بهتر شده و پیشرفت کرده (۱۱) // از موقعی که وارد روان‌شناسی شدم، هر روز از روز قبل پویاتر بودم. اعتمادبه‌نفسم هم در سال‌های اخیر خیلی بیشتر شده (۱۲)

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات مشارکت‌کنندگان
	عوامل مؤثر درونی	نداشتن خودشناسی	حس می‌کردم این رشته برای من جذاب، ولی وقتی وارد این رشته شدم، دیدم اصلاً مناسب روحیات من نیست و به درد به خانم نمی‌خوره. بیشتر مردونه بود (۷) / احساس می‌کنم در کارهای مهندسی تمام توانمندی‌های من استفاده نمی‌شه و هدر می‌ره؛ درحالی‌که به مشاوره علاقه‌مند هستم و قوی‌ام. توانمندی من بیشتر به کار برده می‌شه و مفیدتر هستم (۹) / ولی اون موقع شناختم از خودم کم بود و معنای زندگی در من خیلی پایین بود و با بالا رفتن سنم تمایلم به رشته معماری کم شد (۲۰).
		نگرش منفی به رشته	احساس می‌کردم منی که از همه قوی‌تر بودم، نتونستم در زمینه درس موفق باشم که این رشته قبول شدم و این خلاً برای من محسوس‌تر بود (۹).
خا‌له‌های رشته قبلی		نداشتن علاقه	رشته قبلیم رو فقط به خاطر دانشگاه انتخاب کردم و علاقه من به روان‌شناسی و مشاوره بود (۱۰) / رشته قبلی بیشتر حالت سرگرمی برای من داشت و دوستش نداشتم (۱۳) / من تو رشته قبلیم معمولی بودم و دوستش نداشتم (۲۰).
		کاربردی نبودن رشته قبلی	خلاً رشته قبلی من نداشتن کاربرد در زندگی من بود (۱) / خلاً خاصی در رشته قبلیم نبود. فقط اون رشته با چیزی که ازش شنیده بودم اصلاً همخوانی نداشت و کاربردی نبود (۱۸).
	عوامل مؤثر بیرونی	ارتباط‌نداشتن با انسان‌ها	من احساس می‌کردم که دوست دارم با افراد ارتباط برقرار کنم؛ درحالی‌که در رشته قبلی درباره ارتباط با آدم‌ها در حد یک نظریه سازمانی نگاه می‌شد، نه بیشتر (۲) / خلتی که احساس کردم در مورد خودشناسی و دیگرشناسی و ارتباط با آدم‌ها بود و این رشته باعث شد هم خودم و هم افراد دیگه رو بهتر بشناسم (۳).
		فشار تحصیلی و فرسودگی	در رشته قبلیم هیچ وقتی برای رسیدن به سرگرمی‌های مورد علاقه مثل فیلم‌دیدن و کتاب‌خواندن نداشتم و این باعث می‌شد زندگیم خیلی ریتم تکراری و خسته‌کننده‌ای داشته باشه (۱۵).

#### جدول ۴. عوامل مؤثر در تغییر رشته

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات مشارکت‌کنندگان
عوامل مؤثر در تغییر رشته	عوامل فردی	شناخت و کمک به خود	دلیل اصلی من از انتخاب روان‌شناسی نیاز داشتن به یک رشته بود که سوالات ذهن منو جواب بده (۱) / خودشناسی مهم‌ترین دلیل در تغییر رشته برای من بوده (۳) / من در مراحل مختلف زندگی چند مشاور رو دیده بودم و به من کمک کرده بودن و چیزی که یادم میاد اینه که من همیشه خیلی جذب شخصیت مشاور شده بودم (۹) یکی از دلایلی که باعث شد من وارد این رشته بشم، این بود که به خودم کمک کنم؛ چون اون دوره دچار افسردگی شده بودم. من از به طرف می‌خوام به خودم کمک کنم و از طرف دیگه می‌خوام این کمک علمی باشه؛ پس به مشاوره اومدم (۱۱) / بیشتر برای اینکه خودم رو تکمیل کنم و دانش بیشتری داشته باشم به روان‌شناسی علاقه‌مند شدم (۱۳) / به دلیل به سری مسائل

کدام‌یک از عوامل زیر در تغییر رشته شما و ورود به رشته جدید مؤثر بوده است؟ (موقعیت شغلی رشته جدید / ضعف موقعیت شغلی رشته قبلی یا قوت موقعیت اجتماعی رشته جدید / ضعف در جایگاه اجتماعی رشته قبل یا قوت جایگاه اجتماعی رشته جدید / شکل تبلیغات انجام‌شده در ارائه مزیت‌های رشته جدید (رسانه، اقوام، اطرافیان و...) یا دیگر عوامل).

کدام‌یک از عوامل زیر در تغییر رشته شما و ورود به رشته جدید مؤثر بوده است؟ (موقعیت شغلی رشته جدید/ ضعف موقعیت شغلی رشته قبلی یا قوت موقعیت اجتماعی رشته جدید/ ضعف در جایگاه اجتماعی رشته قبل یا قوت جایگاه اجتماعی رشته جدید/ شکل تبلیغات انجام‌شده در ارائه مزیت‌های رشته جدید (رسانه، اقوام، اطرافیان و...) یا دیگر عوامل).

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات مشارکت‌کنندگان
		شناخت و کمک به خود	شخصی از نظر روحی نیاز داشتم به کم قوی‌تر بشم. پس لازم داشتم خودم رو از نظر روحی و روانی بشناسم. منم به دلیل شناخت و بررسی بیشتر خودم اومدم توی این رشته تا بتونم در آینده و زندگی شخصی و شغلی بهتر تصمیم بگیرم و همین باعث شد که بخوام اول بهتر خودم و روانم رو بشناسم (۱۵) // حقیقتاً بیشترین عاملی که باعث تغییر رشته من شد، این بود که فکر کردم شاید بتونم کمکی به خودم و زندگی‌م بکنم و شاید بتونم کمکی کنم به خودم و بقیه آدم‌ها (۱۹).
عوامل مؤثر در تغییر رشته	عوامل فردی	داشتن استعداد و علاقه	علاقه من دلیلی بر خوندن این رشته شد. اولش به خوندن روان‌شناسی فکر نمی‌کردم، ولی کلاً استعداد و علاقه زیادی به روان‌شناسی داشتم و قبلش خوندن کتاب‌های غیردرسی روان‌شناسی رو همیشه در برنامه داشتم و انجام می‌دادم (۱) // تغییر رشته‌ام صرفاً به خاطر علاقه به این رشته بوده و هست (۴) // این رشته مورد علاقه من بود، ولی شرایط طوری شد که به این سمت در مقطع کارشناسی نرفتم (۶) // من از اول مشاوره رو دوست داشتم (۷) // حس کردم به کار با بزرگسال‌ها بیشتر علاقه دارم. در علوم تربیتی به رشد شخصی یا کمک به بقیه برای رشدشان یا کمک به بزرگسالان نمی‌رسیدم (۸) می‌تونم بگم که اولویت اول من علاقه بود (۱۲) // فقط به علت علاقه شخصی شروع کردم (۱۶).
		بالارفتن اعتمادبه‌نفس	روان‌شناسی به من اعتمادبه‌نفس بالایی داد و افزایش اعتمادبه‌نفس عامل مؤثری در تغییر رشته بود (۱) // دوست داشتم به غیر از رشته کارشناسی به رشته دیگری هم مسلط باشم (۴) // رشته کارشناسی اعتمادبه‌نفس من رو خیلی پایین آورده بود و حس می‌کردم وقتم داره بیهوده می‌ره. رشته مشاوره این اعتمادبه‌نفس رو در من احیا کرد (۷) // ارشد مشاوره خیلی به من اعتمادبه‌نفس داد و باعث شد الگوهای خودم را بشناسم و روی شخصیت خودم تأثیر گذاشت و اینکه همه من رو می‌شناسن و از من کمک می‌گرفتن و راهنمایی می‌خواستن و این باعث شد اعتمادبه‌نفسم بالا بره (۸).
		روحیه کمک‌کردن	کمک‌کردن به شاگردام و والدینشان عامل مؤثر در تغییر رشته بود (۱) // من به ارتباط‌گرفتن با دیگران در این سبک خیلی علاقه دارم و کمک‌کردن به دیگران هم مورد علاقه منه (۲) // البته یکی از دلایل من این بود که من مدرس زبان انگلیسی در بخش نوجوانان بودم و خودم هم فرزند نوجوان دارم. دلم می‌خواست بیشتر با روحیات بچه‌ها آشنا بشم تا بتونم ارتباط بهتری با اونا داشته باشم (۴) // در رشته مشاوره تعامل با افراد بیشتره و این ویژگی مورد علاقه منه (۶) // از اول هم همین حس انسان‌دوستانه‌ای را که الان دارم، داشتم و نشستن پای صحبت‌های دیگران و کمک‌کردن به اون‌ها برای من جذاب بوده (۷) // کارهای باورانه به‌صورت کلی برای من خیلی جذابه (۹) // هرچقدر توانمندی علمی من بیشتر می‌شد، به من در کمک به دیگران کمک بیشتری می‌کرد و در تغییر رشته من خیلی مؤثر بود (۱۷).
	عوامل اجتماعی	تشویق و تأثیر اطرافیان	برحسب اتفاق و تعریفی که از اطرافیان درباره استعداد روان‌شناسی من شد، تصمیم گرفتم به‌صورت آکادمیک روان‌شناسی بخونم (۱) // به‌طورکلی دوستانم خیلی تأثیر داشتن که همه روان‌شناسی یا مشاوره خوندن. اطرافیان مخصوصاً کسانی که در خانواده در دوره کارشناسی با من کنکور دادن، همه یا روان‌شناسی یا مشاوره می‌خواستن بخونن (۲) // در منزل ما چون برادرم هم مشاوره خوندن،

کدام یک از عوامل زیر در تغییر رشته شما و ورود به رشته جدید مؤثر بوده است؟ (موقعیت شغلی رشته جدید/ ضعف موقعیت شغلی رشته قبلی یا قوت موقعیت اجتماعی رشته جدید/ ضعف در جایگاه اجتماعی رشته قبلی یا قوت جایگاه اجتماعی رشته جدید/ شکل تبلیغات انجام شده در ارائه مزیت های رشته جدید (رسانه، اقوام، اطرافیان و...) یا دیگر عوامل).

مضمون اصلی	مضمون های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات مشارکت کنندگان
عوامل مؤثر در تغییر رشته	عوامل اجتماعی	تشویق و تأثیر اطرافیان	باعث می شد من رو هم تشویق به خوندن روان شناسی و مشاوره کنن (۵) // یکی از آشناهای دور ما که در دانشگاه علامه دکتری مشاوره می خوند، در بهترشناختن این رشته به من کمک کرد (۷) // تدریس استادم و معرفی رشته مشاوره خیلی منو به این رشته علاقه مند کرد (۸) // دوستان من در دانشکده روان شناسی بودن و این هم در تغییر رشته من مؤثر بود (۱۰) // یک کارگاهی رفتم که خیلی در علاقه من مؤثر بود (۱۱) // مادرم اولین استارت آشنایی من با روان شناسی رو زد. چون روان شناس بود و دانشگاه تدریس می کرد و قبل از ورود، من با این رشته آشنایی داشتم و برام جذابیت داشت (۱۲) // خانواده و مادرم دوست داشتن که من وارد این رشته بشم (۱۳) // یکی از دوستان خیلی نزدیک من به خاطر کار در یک گروه اصرار زیادی کرد که کنکور بده تا بتونی به صورت علمی تر مطالب رو ارائه بدی؛ پس مشوق اصلی من این فرد بود (۱۷) // اول از روان شناسی خوشم می اومد؛ به این خاطر که به واسطه دوست روان شناسم با یک سری جلساتی از استادی آشنا شدم که خیلی مفید بود، ولی خب اول هم می خواستم روان شناسی بخونم، اما خانواده گفتند که این چه رشته ای که می خوای بری و فایده نداره و من هم خیلی تأثیرپذیر بودم و روان شناسی رو انتخاب نکردم. البته زیانم هم خوب بود و راحت می تونستم قبول بشم، ولی در کل نگرشم به روان شناسی خیلی خوب بود و از اول خوشم می اومد (۱۹) // استاد درس کارورزی خیلی عالی بود و فکر می کنم روی من خیلی تأثیرگذار بود. اون فقط حرف نمی زد و به معنای واقعی استاد و درمانگر بود (۲۰).

جایگاه شغلی این رشته و بازار کار عامل مؤثری در تغییر رشته بود (۲) // بازار کار در این تصمیم گیری و تغییر رشته واقعاً تأثیر زیادی داشت (۷) // یکی از اصلی ترین دلایل من برای ورود به ارشد مشاوره علاوه بر علاقه، موقعیت شغلی جدید بود (۱۰).

با توجه به تجربیاتی که کسب کردم، فرسودگی شغلی در معلمی (تدریس ریاضی واقعاً انرژی می گیره) زیاد بود. پس تصمیم گرفتم درسی بخونم که بیشتر برای کل زندگی و زندگی روزمره مفید باشه (۱۴).

## جدول ۵. بررسی اهمیت جایگاه اجتماعی برای فرد

از نظر شما جایگاه اجتماعی این رشته با رشته قبلی تفاوتی دارد؟ می شه از جایگاه اجتماعی به عنوان یکی از دلایل تغییر رشته نام برد؟

مضمون اصلی	مضمون های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات شرکت کنندگان
بررسی اهمیت جایگاه اجتماعی	اهمیت	موقعیت اجتماعی - شغلی بهتر	داشتن موقعیت اجتماعی بهتر در جامعه و تأثیرگذار بودن برای من عامل مؤثر در تغییر رشته بود (۱) // یکی از دلایل من برای تغییر رشته، تفاوت جایگاه اجتماعی و بهتر بودنش بود (۲) // جایگاه اجتماعی و وضعیت شغلی تأثیرگذار بودند (۵) // از لحاظ جایگاه اجتماعی هم پژوهشگر بودن یا تاریخ دان بودن جایگاه بالایی در ذهن

از نظر شما جایگاه اجتماعی این رشته با رشته قبلی تفاوتی دارد؟ می‌شه از جایگاه اجتماعی به‌عنوان یکی از دلایل تغییر رشته نام برد؟

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات شرکت‌کنندگان
بررسی اهمیت جایگاه اجتماعی	اهمیت	موقعیت اجتماعی- شغلی بهتر	من داره و زیاد این نکته برام برجسته نیست، ولی موقعیت اجتماعی به‌عنوان یک مشاور برای من مهمه (۶) // جایگاه اجتماعی که قطعاً دخیله (۸) // هم جایگاه اجتماعی تأثیرگذار بود و هم جایگاه اجتماعی یک انسان تحصیل کرده. خیلی دوست دارم روزی دکتری داشته باشم (۹) // باید این رو در نظر گرفت که این شغل موقعیت اجتماعی بالایی داره و خیلی خوبه (۱۱) // اینکه می‌دیدم روان‌شناس‌ها کارگاه برگزار می‌کنند، تلنگری بود که هم علاقه دارم هم زمینه مالی در این رشته وجود داره و جایگاه اجتماعی هم وجود دارد (۱۲) // یکی از مواردی که تأثیر پررنگ‌تری برای من داره، موقعیت اجتماعی این شغل است. به نظر من شأن اجتماعی در این رشته خیلی بالاست (۱۳) // قطعاً جایگاه اجتماعی یکی از عوامل مهم برای انتخاب رشته و شغل خواهد بود و برای همه مهم خواهد بود (۱۵) // چون به شناخت بیشتر انسان‌ها علاقه‌مند شدم، تغییر رشته دادم، ولی به دلیل خیلی کوچکی هم در کنار این وجود داشت که احساس کردم رشته ادبیات انگلیسی در ایران جایگاه خوبی نداره؛ پس به‌لحاظ شغلی هم وارد این رشته شدم (۱۶) // بیشتر ضعف در جایگاه اجتماعی رشته قبلی باعث این تغییر رشته شد (۱۸).
عدم اهمیت	اهمیت‌نداشتن جایگاه اجتماعی		در جامعه ما به نظر من رشته روان‌شناسی و کاربرد مشاوره در زندگی جا نیفتاده؛ به همین دلیل جایگاه رشته قبلیم خیلی بالاتره و فکر نمی‌کنم در جامعه ما از نظر اجتماعی آن‌چنان جایگاهی داشته باشه (۳) // هدف من آشنایی بیشتر با این رشته بود. وجه اجتماعی و شغل خیلی مدنظر من نبود (۴) // جایگاه اجتماعی تأثیر داشت، ولی نه اون قدر که یکی از عوامل مؤثر باشه. من بیشتر به‌خاطر روحیات خودم و از نظر شغلی به مشاوره آمدم (۷) // حتی زمانی که می‌خواستم تغییر رشته بدم، اصلاً فکر موقعیت شغلی و درآمد و جایگاه نبودم (۱۸) // رشته قبلی من مهندسی معماری بود و جایگاهش خوب بود، ولی من معتقدم به رفتگر بشی خوبش بشو، هم درآمد داری هم جایگاه اجتماعی (۲۰).

### جدول ۶. تأثیر متقابل دانش دو رشته

با گسترش علم بین‌رشته‌ای، به نظر شما ترکیب دانش رشته قبلی با رشته فعلی شما مفید است؟

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات شرکت‌کنندگان
تأثیر متقابل دانش دو رشته	ارتباط مثبت	تأثیر مثبت و کمک‌کننده	رشته الان من به‌شدت با رشته قبلی که آموزش زبان بود مرتبطه؛ چون راهکارهای بهتری برای تدریس و اداره کلاس به من می‌ده. البته رشته قبلی زبان هم کاملاً به رشته روان‌شناسی کمک می‌کنه؛ مخصوصاً در زمینه جست‌وجو و پژوهش (۱) // چون رشته‌های مشاوره و مدیریت آموزشی خیلی به هم مرتبط هستند و من هرکاری انجام بدم، به رشته قبلیم مربوط می‌شه و به نظرم خیلی می‌تونه مفید باشه (۲) // شناخت خودم و طرف مقابلم خیلی می‌تونه در حقوق در دادگاه‌ها و تدوین قوانین کمک بکنه (۳) // به نظرم ترکیب دانش رشته قبلی و فعلی من خیلی مفیده و اطلاعات در رشته روان‌شناسی در شغلم و ارتباط با زبان‌آموزانم برام خیلی مؤثره (۴) // به نظرم ترکیب دانش رشته قبلی من با رشته فعلی من صددرصد مفیده. چقدر خوبه که به زیست‌شناس به مشاوره بیاد و این چقدر می‌تونه باعث قدرت من بشه. وقتی که آگاهی کامل هم از جسم دارم هم

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم اولیه	جملات شرکت‌کنندگان
تأثیر متقابل دانش دو رشته	ارتباط مثبت	تأثیر مثبت و کمک‌کننده	از روح و روان افراد و این خیلی خیلی برای من مفید بوده (۵) من از تاریخ یاد گرفتم که زمان قدیم رو براساس دید الان نمی‌شه نگاه کرد و این دید باعث ایجاد خطا می‌شه (۶) ترکیب رشته قبلی من با رشته فعلیم کاملاً مفید بوده و می‌شه گفت خیلی جاها منطبق هستند (۸) ارتباط مستقیم بین دو رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد من به نظرم سخته، اما افرادی که رشته مهندسی خوندن خیلی نکته‌سنج و خلاق هستند. این می‌تونه به نکته مهم و تأثیرگذار برای افرادی باشه که از مهندسی به مشاوره می‌آن (۹) به نظرم ترکیب دانش رشته کارشناسی و ارشد من کاملاً مفیده (۱۰) در ارتباط با ترکیب دانش رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد باید بگم که نوع رشته‌م زمین تا آسمون متفاوت، اما من احساس می‌کنم تأثیر مثبتی در من داشته (۱۴) چون رشته قبلی مهندسی بود و همین کمک کرده تا دید سیستمی به همه مسائل داشته باشم. از نظر مهارت کار با نرم‌افزارهای مربوط توانایی بیشتری دارم و درک مطالب به‌منظرم برام خیلی راحت‌تر از بقیه بوده، حداقل خودم این‌جوری احساس کردم (۱۵) قطعاً برای من رشته زبان خیلی در رشته فعلی من روان‌شناسی مهم و تأثیرگذار بوده (۱۶) مترجمی زبان انگلیسی رشته کارشناسی من بود و کمک کرد تا متون اصلی رو بخونم (۱۷) می‌تونیم از روان‌شناسی در مبحث آموزش و ارتباط برقرار کردن استفاده کنیم (۱۹) خوندن دو رشته خیلی به دید من کمک کرده. وقتی دو تا رشته می‌خونی، انگار با دو تا دنیا آشنایی. معماری خیلی به من کمک کرد تا دید هنری در مشاوره داشته باشم و بتونم با آدما ارتباط بیشتری بگیرم (۲۰).
ارتباط‌نداشتن	ارتباط‌نداشتن	تأثیرنداشتن	اگر به عقب برگردم، هرگز علوم سیاسی نمی‌زنم و این دو رشته هیچ ارتباطی به هم ندارن (۷) به نظرم خیلی نکته اشتراکی بین این دو رشته نمی‌بینم (۱۲).

## بحث و نتیجه‌گیری

براساس تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان درباره مقایسه دیدگاه قبل و بعد آن‌ها در مورد رشته مشاوره یا روان‌شناسی می‌توان گفت مشارکت‌کنندگان به تطابق انتظارات خود در قبل و بعد از انتخاب این رشته اشاره کردند که بیشتر شرکت‌کنندگان از تحقق انتظارات خود در قبل و بعد از انتخاب این رشته سخن گفتند و بعضی نیز اعتقاد داشتند، نگرش و علاقه مثبت آن‌ها در قبل و بعد از انتخاب این رشته ثابت بود. رایب (۲۰۱۸) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که هیچ روش واحد و متناسبی برای چگونگی انتخاب دانشجویان در انتخاب رشته وجود ندارد. تفاوت‌های فاحش در شخصیت‌ها و نگرش، سطح اطلاعات و سلیقه‌ها و ترجیحات، روند تصمیم‌گیری اصلی را برای هر دانش‌آموز متفاوت می‌کند. با وجود این، مضامین مشترکی وجود دارد. در تبیین نتایج حاضر می‌توان گفت نگرش قبل و بعد دانشجویان به رشته مشاوره یا روان‌شناسی می‌تواند تأثیری مثبت یا منفی در رضایت آن‌ها از رشته فعلی آن‌ها داشته باشد؛ به طوری که اگر شکاف و عدم تطابق فراوانی میان نگرش قبل و بعد انتخاب آن‌ها وجود داشته باشد، فرد احساس ناکامی بیشتری می‌کند و هرچه نگرش قبل و بعد آن‌ها سازگارتر باشد، فرد رضایت بیشتری خواهد داشت. همان‌طور

که در نتایج حاضر مشاهده می‌شود، دانشجویان به تطابق نگرش و انتظارات خود در قبل و بعد از انتخاب رشته اعتقاد داشتند. براساس تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در ارتباط با خلأهای موجود در رشته قبلی با توجه به نتایج می‌توان این خلأها را به دو دسته عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد. در این میان، از خلأهای مربوط به عوامل درونی در رشته قبلی دانشجویان، اغلب به توانمندی نبودن، نبود خودشناسی، بی‌علاقگی و برخی به نگرش منفی به رشته اشاره کردند. همچنین از جمله عوامل بیرونی، برخی به کاربردی نبودن رشته قبلی، ارتباط نداشتن با انسان‌ها و فشار تحصیلی و فرسودگی اشاره کردند. پزند، یادگاززاده، مقیمی، خدایی و رنگین (۱۳۸۷) یکی از عوامل تأثیرگذار در انتخاب رشته دانشجویان را علاقه‌داشتن بیان می‌کنند. ضرابیان و رضانی (۱۳۹۸) در تحقیق خود، شناخت را یکی از مواردی دانسته‌اند که در انتخاب رشته مؤثر است. به عقیده آن‌ها داوطلبی که با رشته‌های متنوع دانشگاهی روبه‌رو می‌شود، ممکن است تصمیم‌گیری در انتخاب رشته خود را با شناخت یا بدون شناخت انجام دهد؛ بنابراین کسب اطلاعات هوشمندانه و دقیق از رشته‌های دانشگاهی در داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها می‌تواند در رضایت از تحصیل و موفقیت در رشته‌های دانشگاهی تأثیرگذار باشد و زمینه تعهد به حرفه مرتبط با رشته تحصیلی آن‌ها را که در آینده اختیار خواهند کرد، فراهم کند. زین‌آبادی، فرزانه و دارابی (۱۳۹۷) در تحقیق خود علاقه‌مندی را یکی از عوامل مؤثر در انتخاب رشته می‌دانند. به‌طور کلی می‌توان گفت علاقه‌مندی و شرایط اقتصادی و حرفه‌ای رشته (بازار کار) از جمله مهم‌ترین و کلیدی‌ترین معیارهای انتخاب و تغییر رشته هستند. درواقع علاقه‌مندی و زمینه شغلی از اصلی‌ترین اهداف و دلایل دانشجویان برای تحصیل است. براین‌اساس باید هدایت تحصیلی، مشاوره تحصیلی و در کنار آن بازنگری در اهداف و فلسفه، مقاصد، روش‌ها و محتوا و ماده‌های درسی رشته‌ها در دستور کار برنامه‌ریزان آموزشی قرار بگیرد. درباره یافته‌های مربوط به عوامل مؤثر در تغییر رشته می‌توان گفت این عوامل به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند که نزدیک به نیمی از شرکت‌کنندگان به شناخت و کمک به خود، داشتن استعداد و علاقه، روحیه کمک‌کردن و بعضی به بالارفتن اعتمادبه‌نفس از مجموعه عوامل درونی اشاره کردند. همچنین بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان به تشویق و تأثیر اطرافیان و برخی به موقعیت شغلی بهتر و کاربرد در زندگی به‌عنوان مجموعه عوامل بیرونی تأثیرگذار بر تغییر رشته اشاره کرده‌اند. بنا بر تحقیق رشیدی‌پویا (۱۳۹۶) یکی از عواملی که دانشجویان را به انتخاب رشته صحیح هدایت می‌کند، منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی است. کمبود این منابع اطلاعاتی آگاهی‌بخش در نظام آموزشی ما کاملاً مشهود است. یکی از عوامل مهم انتخاب‌نکردن رشته مناسب، به‌ویژه در مقاطع دبیرستان و کارشناسی، کمبود منابع اطلاعاتی است. تغییر رشته در مقطع کارشناسی ارشد اغلب نتیجه انتخاب رشته ناکارآمد در مقطع کارشناسی است. قسمتی از این انتخاب ناکارآمد به‌دلیل سهل‌انگاری خود دانش‌آموز در شناخت استعداد و علایق خود و قسمتی به‌دلیل ضعف یا نبود منابع اطلاعاتی غنی و آگاه است. برای انتخاب رشته کارشناسی ارشد بیشتر افراد به‌دنبال استفاده از تجربه‌های افرادی هستند که قبلاً این مسیر را گذرانده‌اند، یا در حال گذراندن آن هستند؛ زیرا این گونه افراد در حال لمس موقعیتی هستند که فرد می‌خواهد در آن پا بگذارد و با قوت و ضعف آن آشنایی بیشتری دارند و می‌توانند راهنمای بهتری باشند.

براساس دیدگاه بیکر، بتینگر، جاکوب و مارینسکو (۲۰۱۸) افزایش ۱۰ درصدی حقوق با تقریباً ۲۰ درصد افزایش احتمال انتخاب رشته همراه است؛ درحالی که احتمال اشتغال نقش بسیار کمتری دارد. آن‌ها شواهد و مدارکی را یافتند که با تأثیر بیشتر نتایج بازار کار در داده‌های تجربی آن‌ها به دلیل کمبود اطلاعات دانشجویان در ابتدا همراه با انزجار از ابهام سازگار است. درواقع دانشجویان ممکن است ترجیح دهند رشته‌هایی را با نتایج مشخص‌تر انتخاب کنند؛ حتی اگر حقوق و دستمزد پایین‌تر از نظر حقوق پیش‌بینی شده کمتر باشد. براساس تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان می‌توان پاسخ‌ها را در دو گروهی که به جایگاه اجتماعی اهمیت می‌دادند و دسته‌ای که به مهم‌نبودن جایگاه اجتماعی اشاره کردند، قرار داد. بیشتر مشارکت‌کنندگان به اهمیت موقعیت اجتماعی شغلی بهتر اشاره کردند و به عبارت دیگر جایگاه اجتماعی و شغلی رشته مشاوره یا روان‌شناسی را از رشته قبلی خود بالاتر می‌دیدند. در ادامه می‌توان گفت، در کنار این گروه، گروهی دیگر قرار داشتند که به اهمیت نداشتن جایگاه اجتماعی در تغییر رشته خود اشاره کردند. معروفی و آداک (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به عامل مسائل اجتماعی-اقتصادی در انتخاب رشته اشاره کردند. جرادات (۲۰۱۷) دریافت که دانشجویان در دانشگاه هنگام فکر کردن درباره تغییر رشته با عوامل منفی بیشتر از عوامل مثبت خود را مطابقت می‌دهند. به عبارت دیگر دانشجویان از دشواری رشته‌های قبلی، بحث با دانشجویان دیگر درباره نکات منفی رشته فعلی خود و این فرض که رشته فعلی آن‌ها فرصت‌های شغلی خوبی پس از فارغ‌التحصیلی فراهم نمی‌کند، تأثیر پذیرفته‌اند. در تبیین نتایج حاضر می‌توان گفت، مسائل اجتماعی و اقتصادی از عوامل مؤثر برای انتخاب و تغییر رشته در مشارکت‌کنندگان است. دانشجویانی که تغییر رشته می‌دهند، بر این باور هستند که رشته جدید (مشاوره یا روان‌شناسی) برای آن‌ها جایگاه اجتماعی بهتری دارد و آینده شغلی بهتری در انتظارشان است. براساس تحلیل نتایج مصاحبه با مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت بیشتر مشارکت‌کنندگان به تأثیر مثبت رشته قبلی و فعلی خود اشاره کردند و معتقد بودند که رشته قبلی برای رشته فعلی‌شان کمک‌کننده بوده است یا حتی در مواردی رشته فعلی به رشته قبلی آن‌ها کمک کرده است. درمقابل برخی مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند که دو رشته آن‌ها هیچ ارتباطی به یکدیگر نداشته و تأثیری بر هم ندارند. در تبیین نتایج حاضر می‌توان گفت از آنجا که رشته مشاوره یا روان‌شناسی با انسان سروکار دارد و به مسائل انسانی می‌پردازد، می‌تواند برای شغل و رشته‌های دیگر که با انسان سروکار دارند، اما علم لازم برای برخورد مناسب را ندارند، مؤثر واقع شود. همچنین جنبه‌های گوناگون رشته‌های قبلی می‌تواند برای رشته مشاوره یا روان‌شناسی مؤثر واقع شود؛ برای مثال جنبه‌های هنری یک رشته می‌تواند به نگاه مشاوره‌ای فرد عمق و غنای بیشتری بدهد یا دانش زبان رشته قبلی می‌تواند برای جست‌وجوهای علمی در زمینه روان‌شناسی و مشاوره کمک‌کننده باشد. درمجموع می‌توان گفت از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تغییر رشته دانشجویان رشته‌های غیرمرتبط به تحصیل در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، عوامل فردی و اجتماعی است.

با توجه به اینکه بیشتر شرکت‌کنندگان به افزایش توانمندی‌های خود در رشته مشاوره یا روان‌شناسی در مقایسه با رشته قبلی خود اشاره کرده‌اند، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی توانمندی‌های مشاوران با رشته



کارشناسی متفاوت به صورت جدا بررسی شود. دومین پیشنهاد این است که موقعیت شغلی رشته مشاوره یا روان‌شناسی به عنوان عامل تأثیرگذار مالی برای افرادی که قصد تغییر رشته دارند، بررسی شود. سومین پیشنهاد به جایگاه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل تغییر رشته به مشاوره یا روان‌شناسی مربوط است که بهتر است در تحقیقی جداگانه نقش این عامل برای فهم بهتر بررسی شود. یکی از پیشنهادهای کاربردی برای پژوهش حاضر می‌تواند این باشد که کارگاه‌هایی در مقاطع گوناگون برای خودشناسی افراد برگزار شود تا دانشجویان به شناخت بیشتری از خود برسند و تصمیم درستی بگیرند. همچنین کوچینگ‌هایی در سطوح تحصیلی مختلف برای افراد در نظر گرفته شود تا به بهترین خود نزدیک شوند.

## منابع

- ابوالمعالی، خ. (۱۳۹۱). *پژوهش‌های کیفی از نظریه تا عمل*. تهران: نشر علم.
- اجاقی، م. ا. و طالبوند، م. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری. *اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی*. خرداد ۱۳۹۴، دانشگاه پیام‌نور ساری، ایران.
- باقری، م. و فرهادی، ه. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته از دید دانشجویان رشته روان‌شناسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان در سال تحصیلی ۹۶-۹۵. *همایش بین‌المللی روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی*. تهران، ایران.
- پرند، ک.، یادگارزاده، غ.، مقیمی، ف.، خدایی، ا.، و رنگین، ح. (۱۳۸۷). بررسی و مطالعه دیدگاه‌های داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ و دانشجویان سال اول (داوطلبان آزمون سال ۱۳۸۶) به منظور شناسایی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته و پیشنهاد راهکارهای بهبود آن. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۳(۷)، ۶۳-۴۳.
- بیگدلی، ز. و آدام، ز. (۱۳۸۲). عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی و تغییر نگرش دانشجویان کتابداری و روان‌شناسی بالینی در دانشگاه شهید چمران اهواز. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ۶(۲)، ۶۶-۴۷.
- حسینی شهیدی، ل.، عطاردی، ع.، و مقیمیان، م. (۱۳۸۴). بررسی میزان به‌کارگیری راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان. *افتق دانش*. ۱۱(۱)، ۶۰-۵۳.
- ذکایی، م. س. و شجاعی باغینی، ن. (۱۳۹۲). تغییر رشته‌ای‌ها: انگیزه‌ها، انتظارها و ارزیابی دانشجویان رشته‌های غیرمرتبط از تحصیل در علوم انسانی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. ۳۰(۶۳)، ۱۷۵-۱۲۸.
- رجب‌زاده، ص. و مؤمنی مهمویی، ح. (۱۳۹۴). بررسی نقش علاقه به رشته تحصیلی و آگاهی از آینده شغلی بر انگیزش تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی. *سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*. دی‌ماه ۱۳۹۴. قم، ایران.
- رشیدی پویا، ن. (۱۳۹۶). مطالعه ملاک‌ها و فرایندهای تغییر رشته از دوره کارشناسی به دوره کارشناسی ارشد در دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*. رشته سنجش و اندازه‌گیری (روان‌سنجی). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- زین آبادی، ح.، فرزانه، م.، و دارابی، ف.، (۱۳۹۷). مهاجرت علمی: تأملی بر دلایل تغییر رشته در مقطع کارشناسی ارشد از سایر رشته‌ها به مدیریت آموزشی. *دوفصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*. ۱۳/۱، ۱۶۹-۱۴۶.
- سالمیان، م. (۱۳۸۹). علل گرایش دانشجویان غیرمرتبط به رشته علوم ارتباطات اجتماعی مقطع کارشناسی ارشد. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. رشته علوم ارتباطات. دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سرهنگ‌پور، ح.، اکبری، م.، و نادری، ح. (۱۳۹۶). سهم عوامل درونی و بیرونی مؤثر در انتخاب رشته روان‌شناسی دانشجویان دانشگاه‌های استان مازندران. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی*. خرداد ۱۳۹۶. دانشگاه نیکان، تهران، ایران.
- ضرابیان، ف.، و رضانی، ف. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه پیام نور اراک (ورودی‌های ۹۷-۱۳۹۴). *اولین همایش ملی مدرسه فردا*. شهریور ۱۳۹۸. دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
- عنایتی نوین‌فر، ع.، درانی، ک.، و کرم‌دوست، ن. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های فنی و مهندسی و روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. ۱۸/۴، ۱۶۷-۱۴۵.
- قاضی‌نژاد، م.، و عباسیان، م. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی همسرکشی. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. ۹/۲، ۱۱۵-۸۱.
- کاظمی، م. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی وضعیت علمی و آموزشی و راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های مرتبط و غیرمرتبط (مطالعه موردی). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی*. دانشگاه چمران اهواز.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش (جلد اول: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- مدهوشی، م.، زالی، م.، ر.، و نجیمی، ن. (۱۳۸۸). تشکیل خانه کیفیت در نظام آموزش عالی (مطالعه موردی: مقطع دکتری مدیریت دانشگاه‌های دولتی). *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. ۱۱/۱۵، ۱۵۴-۱۲۱.
- معروفی، ی.، و آداک، م. (۱۳۹۶). بازنمایی تجارب زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم تربیتی در ارتباط با تغییر رشته (مطالعه پدیدارشناسی). *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*. ۷/۲۰، ۵۵-۳۳.
- معمارپور، م.، بذرافکن، ل.، موسوی، ا.، و وثوقی، م. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی در دانشجویان دندان‌پزشکی. *مجله آموزش در علوم پزشکی*. ۱۳/۴، ۲۶۹-۲۶۰.
- مهدی‌خانی، ع. (۱۳۹۵). بررسی علل گرایش دانشجویان رشته‌های فنی-مهندسی و علوم پایه به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های علوم انسانی (مطالعه موردی دانشگاه زنجان). *دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و مطالعات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی ایران*. تهران، ایران.

نصر، ا. ر.، عریضی، ح. ر.، علامت‌ساز، م. ح.، و نیلی، م. ر. (۱۳۸۶). بررسی ملاک‌های انتخاب رشته داوطلبان ورود به دانشگاه‌های دولتی و مقایسه آن بر مبنای تحصیلات پدر و رشته تحصیلی، سن و دفعات شرکت در آزمون سراسری. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*. ۲(۵)، ۱۳۸-۱۰۹.

وکیلی، م. (۱۳۹۹). مدرسه و هویت جنسیتی: مطالعه پدیدارشناختی چالش‌های هویتی نوجوانان ناراضی جنسیتی در مدرسه. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، رشته مشاوره مدرسه، دانشگاه تهران.

## References

- Astorne-Figari, C., & Speer, J. D. (2019). Are changes of major changes? The roles of grades, gender, and preferences in college major switching. *Economics of Education Review*. 70(1), 75-93.
- Baker, R., Bettinger, E., Jacob, B., & Marinescu, L. (2018). The effect of labor market information on community college students major choice. *Economics of Education Review*. 65(121), 18-30.
- Bartolj, T., & Polanec, S. (2012). College major choice and ability: Why is general ability not enough? *Economics of Education Review*. 31(6), 996-1016.
- Bernard, H. (2000). *Social research methods: Qualitative and quantitative approaches*. New York, United States. SAGE Publications.
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (2012). *The landscape of qualitative research*. SAGGE Publishing. New York, United States
- Jaradat, M. S. (2017). Reasons influence students' decisions to change college majors. *International Journal of Humanities and Social Science*. 7(3), 223-238
- Kinzie, J., Palmer, M., Hayek, J., Hossler, D., Jacob, S. A., & Cummings, H. (2004). *Fifty years of college choice: Social, political and institutional influences on the decision making process*. Indianapolis, in: New Agenda Series, Lumina Foundation for Education.
- McGrath, M., & Braunstein, A. (1997). The prediction of freshmen attrition: An examination of importance of certain demographic, academic, financial, and social factors. *College Student Journal*. 31, 396-408.
- Sepp, H. R., & Embree, L. (2010). *Handbook of phenomenological aesthetics*. Springer Dordrecht Heidelberg London New York.
- Wright, C. (2018). Choose wisely: A study of college major choice and major switching behavior. *Ph.D. Dissertation in Public Policy Analysis*. Pardee RAND Graduate School.
- Zahavi, D. (2003). *Husserl's phenomenology*. Stanford: Stanford University Press.

